**بسم الله الرحمن الرحیم**

حجت‌الاسلام و المسلمین پناهیان

سخنرانی شام غریبان محرم 94

**مهم‌ترین راه بررسی صدق نیت**

نقطه‌ی مقابل نیت برای تقرب به خدا، بی نیتی نیست، بلکه نیت برای دور خود طواف کردن، تقویت خودخواهی، پاسخ دادن به حب نفس و ... است.

هیچ‌کسی بدون رسیدن به خدا نمی‌تواند به خدا برسد.

نقطه مقابل نیت قربت الی الله خودخواهی است.

تمام لذتی ، شور و مستی که برای بشر قابل تصور است، در نیت قربت الی الله است. هر کسی گفت از طریق چیز دیگری، لذت بیشتری در دنیا نصیبتان می‌شود دروغ می‌گوید. این را فقط باید تجربه کرد. ادعایتان را برای هیچ‌کسی نمی‌توانید اثبات کنید. هنگامی که انسان باب آن را باز کند، نعمات بهشتی را حتی برای او بیاورند مزه‌ای در مقابل آن ندارد.

وقتی انسان نیت خود را قرب الی الله بگذارد، به خودخواهی خود پایان می‌دهد و خداخواه می‌شود در آن شرایط است که درحالی‌که مردم از او تعریف و تمجید می‌کنند ولی گویا او را شکنجه می‌کند. کسی تا قبل از آن چون می‌خواست به خدا نزدیک شود ولی احساس می‌کرد که ته دلش از تعریف دیگران خوش‌حال می‌شود، و سعی می‌کرد که بگوید که ای خوش نیا! از این لحظه به بعد تعریف دیگران را دوست ندارد که هیچ متنفر هم هست. نه اینکه بخواهد از آن چشم‌پوشی کند بلکه نقطه‌ی مقابل آن نفرت نسبت به تعریفات دیگران دارد.

نقطه‌ی مقابل من می‌خواهم به خدا نزدیک شوم من به خودم می‌خواهم نزدیک شوم، است. وقتی من می‌خواهم به خدا نزدیک شوم بسیار لذت‌بخش است به حدی که لذت آن را که تجربه کنید هیچ‌چیز دیگر برای شما چنان لذت‌بخش نیست.

پس از اندکی مراقبت از گناه، بوی تعفن کسانی که نیتی غیر از قرب به خدا را مد نظر قرار داده‌اند را احساس خواهید کرد.

وقتی پیش کسی هستی که به خاطر خدا زندگی می‌کند، شما هم احساس آرامش و امنیت می‌کنید احساس روح و ریحان می‌کنید. حتی او کاری هم نمی‌کند ولی همین کار نکردن او هم برای شما آرامش‌بخش است.

بچه‌های جبهه و جنگ حتی غذا خوردنشان هم برای خدا بوده است. محسوس بود که هر کاری که انجام می‌دهند برای خدا بود. شهیدان دفاع مقدس می‌گفتند وقتی به شهر می‌رویم که در آن هر کسی کاری به کار دیگری ندارد و سرش به کار خودش گرم است خیلی ناراحت می‌شویم و دوست داریم زودتر از آنجا بیرون آییم. آن شهری است که آدم‌های آن به خاطر خدا زندگی نمی‌کنند.

**دوست داشتن‌هایی دنیایی چه طور؟**

شما که پدر و مادر و بچه‌هایتان را دوست دارید، باید آن‌ها را به خاطر خدا دوست داشته باشید. خوب دیگر خودتان را برای آن‌ها نکشید. چون که صد آید نود هم پیش ماست. اینکه شما عزیزتان را به خاطر خدا دوست داشته باشید هم قابل تجربه است. بحث عشق‌بازی‌هایی کوچه‌بازاری که به کنار آن‌ها که عشق نیستند. عشق بدون خدا مانند اسباب‌بازی است که مردم امروزه برخی با آن‌ها بازی می‌کنند.

جوانان ما باید با سطح بالایی تربیت شوند. نه مانند این تربیت سطح پایینی که به برخی توصیه می‌کنند، که لااقل دین ندارید آزاده باشید و وجدان داشته باشید. این توصیه اخلاقی حداقلی هست. عمر سعد هم این اخلاق های حد اقلی را داشت؛ شام غریبان می‌گفت دیگر به بچه‌ها کاری نداشته باشید. ولی کسی به او گوش نمی‌داد. اخلاق حد اقلی نمی‌تواند سعادت برای بشر بیاورد و زندگی خوبی را برای افراد فراهم کند.

حداقل‌های اخلاقی تا حدی مزخرف هستند که وقتی به سطوح بالاتر می‌رود از آن‌ها متنفر می‌شود.

توصیه سطح بالا مانند اینکه اگر این کار انجام دهی، آیا به خدا نزدیک تر می‌شوید؟ فکر می‌کنید و به نتیجه می‌رسید. این نصیحت‌های حد اکثری برای افرادی است که با اهل‌بیت و اباعبدالله حسین که دارای اخلاق حداکثری هستند.

**رابطه‌ی خودخواهی و کینه‌توزی**

کسی که نیت قرب کند، لذت آن را می‌چشد و کسی هم که نیت خودخواهانه داشته باشد نسبت به بقیه کینه‌توزی می‌کند، یکی دیگر از عواقب آن این است که او من را تحویل نگرفت. او به من محلی نداد به من احترام نگذاشت. اسم چنین زندگی را هم زندگی عاشقانه می‌گذارند و برای چنان زندگی‌هایی موسیقی هم می‌سازند. که در آن‌ها متونی خوانده می‌شود که از تمام آن‌ها شکایت می‌کند. غمی بی‌خود. که آهی که در آن کشیده می‌شود دودمان آدم را به باد می‌دهد.

در روایات داریم که موسیقی صدای ناله‌ی اهل دوزخ است. بله آن‌ها در دوزخ سپری می‌کنند همان غم و اندوهی که در دل دارند همان دوزخ است.

غم و کینه برای کسی است که خود خواه است. غم نشانه‌ی بیماری است. گویا کسی نمی‌داند که غم هم یک گرفتاری است و باید خودش را از آن برهاند.

آدم به خود که نزدیک می‌شود، چه اتفاقی می‌افتد؟ از خودش متنفر می‌شود. خیلی جالب است، ناراحت می‌شود. یک قدم برای خودم برداشتم، از خودش بدش می‌آید. نیت قربت الی الله آغاز عارفانه‌ترین‌هاست.

*مخصوص تمام نوکرا:* الآن یک امتحان می‌کنم: شب عاشورا اصحاب امام حسین یک جمله دارند که دور امام حسین جمع شده‌اند. یکی می‌گوید: انا اقرب ما يکون الي الله اذا کنا معک. ما وقتی با تو هستیم، به خدا نزدیک تر هستیم.

بچه‌های خادم هیئت‌ها این دهه که تمام می‌شود و مجلس روضه‌ای نیست که برپا کنند تنها یک گوشه‌ای می‌نشینند و با خود می‌گویند «حسین ... خیلی برام سخته بی تو بودن»

وقتی لباس سیاهتان را در می‌آورید، دلتان می‌گیرد. ممکن است افرادی هم پیدا شوند و بگویند «شما با این سیاهی ها نشاط خودتان را گرفته اید»، آن‌ها نمی‌فهمد، تجربه نکرده‌اند.

کینه به خاطر خودخواهی است و اگر خداخواه شویم، تمام آن درد و رنج‌ها کنار می‌رود.

**فریب‌های نیت قرب الی الله**

در نیت قربت الی الله فریب‌هایی هست:

افرادی هستند که به خاطر نیتی که باور دارند خودشان و دیگران را فریب می‌دهند. نیت می‌کنند و حتی به صحرای کربلا می‌آیند و امام حسین را تشنه لب شهید می‌کنند. چی شد؟ عده با نیت کار گناهی را مرتکب می‌شوند؟

عمر سعد امام حسین را با گریه کشت.

برخی پیش خود فکر می‌کنند: من می‌خواهم واقعاً به خدا نزدیک شوم. از کجا بفهم که چه کاری باید انجام دهم؟ از کجا بفهمم که این نیت بسیار پابرجا است؟

در دعای روز هشتم ماه مبارک رمضان آمده است:

اللهم إني لا أجد من أعمالي عملاً أعتمد عليه و أتقرب به إليك أفضل من ولايتك و ولاية رسولك و آل رسولك الطيبين صلواتك عليه و عليهم أجمعين

**راه سنجش قرب واقعی**

بیان می‌کند من عملی را بهتر از ولایت خدا و رسولش و اهل‌بیت او را برای تقرب به خدا پیدا نکردم.

هر لحظه احساس کردید، به خدا نزدیک تر می‌شوید بسنجید که به اهل‌بیت و ولایت مداری نزدیک تر شده‌اید، آن تقرب را باور کنید وگرنه خیالتان را راحت کنم که آن دروغ است. حتی برخی هستند که شیطان لذت عبادت را به آن‌ها را می‌چشاند که لذتی بی‌مزه است. فرق آن‌ها این است که بعضی آن‌ها از خوف خدا گریه می‌کند درحالی‌که خدا با همان اشکشان به جهنم می‌برد. خیلی پیچیده است. ملاک اینکه تو واقعاً به خدا نزدیک می‌شوید چیست؟ اینکه به محبان اهل‌بیت هم محبتتان بیشتر می‌شود یا نه و همچنین برائت از دشمنان اهل‌بیت هم باید بیشتر شود. همچنین از کسانی که در مسیر آن‌ها هست نفرت هم دارید یا نه. من چی کارکنم نمی‌توانم که به جای شما تشخیص دهم، شما خودتان تشخیص دهید.

برخی از مدعی‌های محبت ما فتنه‌ای می‌کنند شدید تر از فتنه‌ی دجال. دجال که سهمگین‌ترین فتنه از اول تا آخرت برای بشریت هست!

خدا نکند که شما از کسی بدتان بیاید درحالی‌که آدم درستی باشد. این مشکل از شماست. یا محبتتان در دل شما باشد درحالی‌که او قطع باخدا و اولیای خدا باشد.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ به حبّهم وَ بِوِلايَتِهِمْ أَتَوَلَّى آخِرَهُمْ به ما تَوَلَّيْتُ بِهِ أَوَّلَهُمْ وَ أَبْرَأُ مِنْ كُلِّ وَلِيجَةٍ دُونَهُمْ اللَّهُمَّ الْعَنِ الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَكَ وَ اتَّهَمُوا نَبِيَّكَ وَ جَحَدُوا بِآيَاتِكَ وَ سَخِرُوا بِإِمَامِكَ وَ حَمَلُوا النَّاسَ عَلَى أَكْتَافِ آلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِاللَّعْنَةِ عَلَيْهِمْ وَ الْبَرَاءَةِ مِنْهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ يَا رَحْمَان (فراض هایی از متن زیارت امام رضا «علیه السلام»)

خدايا به سوى تو تقرب مى‏جويم با دوستى و ولايت ايشان،آخرين آن‌ها را دوست دارم،آن گونه كه دوست داشتم اولين آن‌ها را،و بيزارى مى‏جويم از هر يارى غير ايشان.خدايا لعنت كن كسانى را كه نعمتت را دگرگون كردند،و پيامبرت را متهم نمودند،و آياتت را منكر شدند،و امام برگزيده‏ات را ريشخند زدند،و مردم را عليه خاندان محمد مسلط كردند،خدايا من با لعنت بر آنان و بيزارى از ايشان در دنيا و آخرت به تو تقرّب مى‏جويم اى مهربان.

**حب الحسین**

نزدیک شدن به امام حسین همان نزدیک شدن به خداوند است. امام حسین در مسیر است. همین که به امام حسین نزدیک تر شدید نماز با حال تری هم می‌خوانید.

رفقا می‌دانید آدم که به امام حسین نزدیک که شود چه حرارتی در او ایجاد می‌شود. اگر بنده بتواند، بعد زمانی و مکانی را از بین ببرد او همیشه وارد حرم امام حسین می‌شود.

ا اَباعَبْدِاللَّهِ اِنّی سِلْمٌ لِمَنْ سالَمَکُمْ وَ حَرْبٌ لِمَنْ حارَبَکُمْ اِلی یَوْمِ الْقِیامَهِ (زیارت عاشورا)

ای اباعبداللّه من تسلیمم و در صلحم با کسی که با شما در صلح است و در جنگم با هر کس که با شما در جنگ است تا روز قیامت

کسانی هم که دوستدار امام حسین هستند را دوست بدارید. برخی می‌گویند نه من فقط خود حضرت را و برای دیگران تره هم خورد نمی‌کنم. خوب تو اصلاً دروغ می‌گویی. پایش بیفتد امام حسین را هم می‌کشی.

محبتی صادق است که در دل شما محبت دوست داران ایشان را هم در دل شما ایجاد می‌کند.

محبت به امام حسین باید خالص باشد.

طلا را چگونه به درون کوره می‌برند محبت اهل‌بیت هم این‌گونه خالص می‌کنند.

مَيثَمٍ رضى الله عنه يَقولُ : تَمَسَّينا لَيلَةً عِندَ أميرِ المُؤمِنينَ عَلِيِّ بن أبي طالِبٍ علیه‌السلام ، فَقالَ لَنا : لَيسَ مِن عَبدٍ اِمتَحَنَ اللّه ُ قَلبَهُ بِالإِيمانِ إلاّ أصبَحَ يَجِدُ مَوَدَّتَنا عَلى قَلبِهِ ، ولا أصبَحَ عَبدٌ مِمَّن سَخَطَ اللّه ُ عَلَيهِ إلاّ يَجِدُ بُغضَنا عَلى قَلبِهِ ، فَأَصبَحنا نَفرَحُ بِحُبِّ المُؤمِنِ لَنا ، ونَعرِفُ بُغضَ المُبغِضِ لَنا ، وأصبَحَ مُحِبُّنا مُغتَبِطًا بِحُبِّنا بِرَحمَةٍ مِنَ اللّه ِ يَنتَظِرُها كُلَّ يَومٍ ، وأصبَحَ مُبغِضُنا يُؤَسِّسُ بُنيانَهُ عَلى شَفا جُرُفٍ هارٍ ، فَكَأَنَّ ذلِكَ الشَّفا قَدِ انهارَ بِهِ في نارِ جَهَنَّمَ ، وكَأَنَّ أبوابَ الرَّحمَةِ قَد فُتِحَت لِأَصحابِ الرَّحمَةِ ، فَهَنيئًا لِأَصحابِ الرَّحمَةِ رَحمَتُهُم ، وتَعسًا لِأَهلِ النّارِ مَثواهُم . إنَّ عَبدًا لَن يُقَصِّرَ في حُبِّنا لِخَيرٍ جَعَلَهُ اللّه ُ في قَلبِهِ ، ولَن يُحِبَّنا مَن يُحِبُّ مُبغِضَنا ، إنَّ ذلِكَ لا يَجتَمِعُ في قَلبٍ واحِدٍ و «ما جَعَلَ اللّه ُ لِرَجُلٍ مِن قَلبَينِ في جَوفِهِ» يُحِبُّ بِهذا قَومًا ويُحِبُّ بالآخَرِ عَدُوَّهُم ، وَالَّذي يُحِبُّنا فَهُوَ يُخلِصُ حُبَّنا كَما يَخلُصُ الذَّهَبُ لا غِشَّ فيهِ .

نَحنُ النُّجَباءُ وأفراطُنا أفراطُ الأَنبِياءِ ، وأنَا وَصِيُّ الأَوصِياءِ ، وأنَا حِزبُ اللّه ِ ورَسولِهِ ، وَالفِئَةُ الباغِيَةُ حِزبُ الشَّيطانِ ، فَمَن أحَبَّ أن يَعلَمَ حالَهُ في حُبِّنا فَليَمتَحِن قَلبَهُ ، فَإِن وَجَد فيهِ حُبَّ مَن ألَّبَ

عَلَينا فَليَعلَم أنَّ اللّه َ عَدُوُّهُ وجَبرَئيلُ وميكائيلُ ، واللّه ُ عَدُوٌّ لِلكافِرينَ

صالح بن ميثم تمّار (رحمه‌الله) : در كتاب ميثم رضى الله عنه ديدم كه می‌گوید: شبى را در خدمت اميرالمؤمنين على بن ابی‌طالب علیه‌السلام بوديم. آن حضرت به ما فرمود: هيچ بنده‌ای نيست كه خداوند دلش را براى ايمان صاف و خالص كرده باشد مگر اين كه محبّت ما را در قلبش احساس می‌کند و هیچ بنده‌ای نيست كه خداوند از او در خشم و ناخشنودى باشد مگر اين كه در قلبش نسبت به ما احساس بغض می‌کند. بنابراين، ما از اين كه مؤمن دوستمان می‌دارد شاد می‌شویم و دشمنى كسى را كه با ما بغض می‌ورزد می‌دانیم. دوستدار ما از رحمت خداوند كه به واسطه محبّت ما هر روز انتظار آن را می‌کشد شادمان است و دشمن ما بناى خود را در لبه پرتگاهى در حال ريزش پى ريزى می‌کند كه اين لبه، او را در آتش دوزخ فرو می‌افکند و درهاى رحمت به روى اهل رحمت گشوده شده است؛ پس گوارا باد اهل رحمت را، رحمتشان و نابود باد جايگاه اهل دوزخ. هر بنده‌ای كه خداوند در دل او خيرى قرار داده باشد هرگز در دوست داشتن ما كوتاهى نمی‌کند و كسى كه دشمن ما را دوست بدارد هیچ‌گاه ما را دوست نخواهد داشت. اين دو در يك قلب باهم جمع نمی‌شوند و «خدا براى هيچ مردى در درونش دو دل ننهاده است» كه با اين يكى عده‌ای را دوست بدارد و با آن ديگرى دشمن آن‌ها را. كسى كه ما را دوست می‌دارد اين محبّت نسبت به ما را، همچون زر نابى كه در آن ناخالصى نيست، خالص می‌گرداند.

ماييم برگزيدگان [خدا] و پيشتازان ما (به سوى حوض كوثر) پيشتازان پيامبرانند؛ من وصى پيامبران هستم، من حزب خدا و رسول او هستم و آن گروه سركش و ياغى حزب شیطان‌اند. پس هر که دوست دارد حال خود را درباره محبّت ما بداند دلش را بيازمايد، اگر در آن نسبت به كسى كه مردم را بر ضد ما می‌شوراند احساس دوستى كرد، بداند كه خدا و جبرئيل و ميكائيل دشمن او هستند و خداوند دشمن كافران هست.

یک چشمه­ی دوست داشتن عدو اهل‌بیت، غرب‌زدگی است.

خبر شهادت امیرالمؤمنین را به معاویه که دادند او متأثر شد. واقعاً برخی از دشمنان اهل‌بیت هستند که دوستدار آن‌ها هستند. و خدا هم دشمن آن‌هاست.

اگر در زمان ما کسانی محبوب امام زمان باشند. احیاناً شما آن‌ها را دوست نداشته باشید. کلاهتان پس معرکه است.

چه کسانی نزد خدا و اهل‌بیت محبوب هستند؟

إنّ أحبّ النّاس إلى اللَّه تعالى يوم القيامة و أدناهم منه مجلسا إمام عادل و أبغض النّاس إلى اللَّه تعالى و أبعدهم منه إمام جائر؛

محبوب‌ترین مردم در نظر خدا روز قيامت و نزدیک‌تر از همه به او پيشواى دادگستر است و منفورترین مردم و دورتر از همه به او پيشواى ستمگر است.

دکتری نقل می‌کرد؛ یک روزی به منزل آقای بهاءالدینی رفتم. ایشان خیلی سرحال بود. با اینکه همیشه سرحال بود ولی این خیلی بانشاط بودند. در روزی که خورشید در خانه‌ی ایشان طلوع کرده است. مقام معظم رهبری به خانه من آمده بودند. آن عارف بزرگوار این‌گونه به حضرت آقا نگاه می‌کردند نه اینکه نظر من و امثال من باشد.

خود شما آیا دلتان می‌آید که آدم‌های خوب را دوست نداشته باشید.

خدا شاهد است من نمی‌خواهم کسی را تبلیغ کنم بلکه می‌خواهم بگویم که چنین کسانی هم هستند. آقا عاشقانی دارند در خط مقدم که نوبت به ما هم نمی‌رسد. ایشان که به محبت ما دوست ندارند. البته نمی‌خواهم محبت شما را به آقا تحقیر کنم.

در روز اربعین حضرت اباعبدالله خودشان روضه گرفته‌اند و می‌گویند بیایید دوست دارم روزی که زینت هم به زیارت من می‌آید شما هم آنجا باشید.

امام باقر علیه السّلام فرمودند:

اِنّ الحُسَیْنَ صاحِبَ کَربَلا قُتِلَ مَظْلوما، مَکروبا عَطْشانا، لَهفانا فآلَی اللّه عَزَّوَجلّ عَلی نفسگان لا یاتیَهُ لَهفانٌ و لا مَکروبٌ و لا مُذنِبٌ و لا مَغمومٌ و لا عَطشانٌ و لا مَنْ بِهِ عاهَةٌ ثُمَّ دَعا عِندَهُ و تَقَرَّبَ بِالحُسَیْنِ بنِ عَلی علیه السلام اِلَی اللّه عَزَّوَجَلَّ إلاّ نَفَّسَ اللّه کُرْبَتَهُ وَ اَعطاهُ مَسأَلَتَهُ و غَفَرَ ذَنـْبَهُ وَ مَدَّ فی عُمُرِهِ وَ بَسَطَ فی رِزقِهِ فَاعتَبِروا یا اُولـِی الاَبْصار. (بحارالأنوار، ج 101، ص 46، ح 5 )

امام حسین (علیه‌السلام)، بزرگ‌مرد کربلا، مظلوم و رنجیده‌خاطر و لب تشنه و مصیب زده به شهادت رسید. پس خداوند، به ذات خود، قسم یادکرد که هیچ مصیبت‌زده و رنجیده‌خاطر و گنه‌کار و اندوهناک و تشنه‌ای و هیچ بَلا دیده‌ای به خدا روی نمی‌آورد و نزد قبر حسین علیه‌السلام دعا نمی‌کند و آن حضرت را به درگاه خدا شفیع نمی‌سازد، مگر این که خداوند، اندوهش را برطرف و حاجاتش را برآورده می‌کند و گناهش را می‌بخشد و عمرش را طولانی و روزی‌اش را گسترده می‌سازد. پس ای اهل بینش، درس بگیرید!

هر کسی بیاید کربلا و خسته باشد، تشنه باشد، مریض باشد و بخواهد که به واسطه‌ی حسین به خدا نزدیک شود امام حسین دست او را می‌گیرد.

من شما را دعا می‌کنم شما هم فراموش نکنید که من را دعا کنید.

یک عده‌ای زمان معاویه نزد امام حسین آمدند.

قال أبو عبد الله (علیه السلام).وفد إلی الحسین (علیه السلام) وفد فقالوا: یابن رسول اللهان أصحابنا وفدوا إلی معاویه ووفدنا نحن إلیک. فقال:إذن اجیزکم بأکثر ممّا یجیزهم.فقالوا: جعلنا فداک إنّما جئنا مرتادین لدیننا.قال: فطأطأ رأسه ونکت فی الأرض وأطرق طویلاً ثم رفع رأسه فقال: قصیره من طویله، من أحبّنا لم یحبّنا لقرابه بیننا وبینه ولا لمعروف أسدیناه إلیه إنّما أحبّنا لله ورسوله فمن أحبّنا جاء معنا یوم القیامه کهاتین - وقرن بین سبابتیه -. (اعلام الدین، 460)